



**غربی‌ها؛ مروج خودنمایی و جلوه‌گری زن**

در اسلام حجابی بین زن و مرد وجود دارد، این را نمی‌شود منکر شد، این حجاب هست، اینکه بگویند اگر زن و مرد در اتاقی هستند که پرده کشیده و در بسته است، این حرام است، یک معنای عمیق و حکیمانه دارد، این درست است، همه به‌عنوان یک مرد و یک زن به خودشان که مراجعه کنند، تصدیق می‌کنند که این حکم، حکم درستی است. کسی نمی‌تواند انکار بکند و بگوید این حکم، حکم درستی نیست، اینکه می‌گویند زن آرایش کرده و با زینت جلوی مردها و در مجتمع مردها ظاهر شود، حکم درستی است. فرهنگ غربی درست ضد این است، می‌گوید زن خودش را به بهترین وجهی که می‌تواند زیبا کند، حتی زیبایی‌هایی که ندارد، به خودش بچسباند. خیلی از این وسایل آرایش برای دادن زیبایی‌های مفقود به یک زن فاقد آن زیبایی‌هاست. برای اینکه در مقابل مرد، مرد او را زیبا ببیند و به او آرایش پیدا کند. با اینکه گرایش لحظه‌ای است، یعنی اگر آن مرد، نزدیک این بیاید، خواهد دید که واقعی نیست، اما همین که نگاه کند، زیبایی او را ستایش بکند. این، در فرهنگ غربی یک چیز مطلوب است.در فرهنگ اسلامی، این برای غیرمسرر، چیز مذموم است. به‌نظر من اینها را باید دانست، اینها حکمت است.

• بیانات در دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶/۴/۳۰

## در محضر امام خمینی (ره)

### توجه فوق‌العاده به نظافت

حضرت امام بسیار منظم و پاکیزه بودند، شاید چهار یا پنج ساله بوم، سفره پهن شد و من تک‌های نان داخل ظرف ماست فرو کردم، قبل از آنکه به دهان بگذارم، امام به آرامی روی دستم زدند، من از پدر این انتظار را نداشتم و ناراحت شدم، ایشان دست من را گرفتند و انگشت ماستی مرا به دهان بردند و با خنده فرمودند: «من دست تو بدم نمی‌آید، تو فرزند من هستی، اما باید یاد بگیري در ظرفی که به همه مربوط می‌شود دست نکنی!»

ایشان نظافت را در رأس امور شخصی قرار می‌دادند. در روز هفت بار ادوکلن می‌زدند، وقتی می‌خواستند به حسینیه تشریف بیاورند تمام لباسشان، حتی عمامه‌شان را عوض می‌کردند. در موقع صرف غذا برای اینکه لباس‌هایشان کثیف (لک) نشود هیچ ابایی نداشتند که جلوی سینه‌شان دستمال یا حوله‌ای بگذارند. هیچ گاه ندیدم که قند را با دست به دهان ببرند، اگر مربا و ماست سر سفره بود، تکلیف می‌کردند که هرکس قاشق جداگانه داشته باشد. این تحمل نیست، رعایت بهداشت فردی و گروهی است.

«خاتم دکتر زهرا مصطفوی، فرزند امام، مصاحبه با مجله زن روز، شماره ۱۳۶۱، ۱۳۶۱/۳/۹»

## استفتاء

## از رهبر معظم انقلاب اسلامی

**مصرف باقیمانده نذورات اربعین در غیر آن**
(س) مقداری پول برای لیوان، چای، قند و… توسط مردم جهت برگزاری مراسم اربعین اهدا شده که کمی از آن باقی مانده است. آیا می‌شود مقدار باقی مانده را جهت برگزاری مراسم ابی عبدالله(ع) در بقیه طول سال مصرف کرد، یا باید نگهداشته و جهت مراسم اربعین سال آینده استفاده شود؟
(ج) تابع رضایت اهداکنندگان است.

### وضو گرفتن با آب معدنی نذری

(س) آیا وضو گرفتن با آب معدنی که برای زوار اربعین نذر شده و مشخص نشده که برای خوردن است یا کار مشخص دیگر و نذر عام زوار می‌باشد، اشکال دارد؟
(ج) در فرض سؤال جایز نیست، مگر اینکه بداند مالک آب رضایت دارد.

### مخارج خدمه موکب‌ها

(س) در اربعین حسینی در موکب‌هایی که در نجف، کربلا و مسیر حرکت زائران حسینی برپا می‌شود، تعدادی از زائران به عنوان خدمه به صورت ثابت در این موکب‌ها جهت خدمت‌رسانی انجام وظیفه می‌کنند و از طرفی زائر اربعین نیز محسوب می‌شوند؛ سؤال موکب‌داران این است که آیا می‌توان برای اعزام نیروهای خدمه بابت تهیه ویزا، هزینه رفت و برگشت آنها را از نذورات مردمی که درخصوص مراسم اربعین حسینی اهدا می‌شود، تأمین کرد؟

(ج) تابع نیت اهداکنندگان است و اگر قصد آنان مطلق باشد، مشکلی ندارد.

### حضور روز اربعین در کربلا

(س) درخصوص زیارت اربعین آیا باید روز اربعین در کربلا حضور داشت، یا اینکه روز قبل یا بعد نیز تواب اربعین را دارد؟

(ج)انجام زیارت سید الشهداء(ع) در هر زمان مستحب و دارای ثواب عظیم است؛ ولی ثواب زیارت زمان خاص، مختص به انجام زیارت در همان زمان خاص است؛ البته انجام زیارت قبل یا بعد از آن موقع به رجاه آن ثواب مخصوص، مانعی ندارد.

**پوشیدن لباس مشکی تا اربعین**
(س) آیا پوشیدن لباس مشکی تا اربعین حسینی اشکالی دارد؟ (کراهت دارد؟)

(ج) پوشیدن لباس مشکی در ایام عزاداری خاندان عصمت و طهارت(ع) به منظور تعظیم شاعر الهی و اظهار حزن و اندوه موجب ترتب ثواب الهی است.

### زیارت از محدودهٔ اطراف حرم

(س) در ایام اربعین به علت ازدحام شدید، ورود به حرم حسینی و گاهی بین الحرمین بسیار دشوار و برای برخی ناممکن است و گاهی موجب اذیت دیگران می‌شود. در این شرایط آیا خواندن زیارت از محدودهٔ اطراف حرم کافی است؟

(ج) در فرض مذکور کفایت می‌کند.

### ازدحام جمعیت و زیارت قبل از اربعین

(س) مدیر کاروان پیاده اربعین حسینی هشتم، مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی می‌کنیم و قبل از اربعین وارد کربلا می‌شویم. آیا ماندن در روز اربعین برای زیارت اربعین ضروری است، یا اینکه به خاطر ازدحام جمعیت در کربلا، می‌شود قبل از اربعین زیارت انجام داد و زیارت ایران شد؟
(ج) شرعا اشکال ندارد، مگر عقی‌بنی مستولین کاروان و افراد کاروان بسته شده باشد که روز اربعین در کربلا باشد.

**ضعف در برابر قوت**، بیانگر ناتوانی استست که انسان را از اراده آزاد و اعمال قدرت در نفی و اثبات چیزی باز می‌دارد؛ زیرا اگر قوت و توان، زمینه‌ساز اعمال اراده اختیاری و حق انتخاب است، ضعف و ناتوانی، انسان را مقهور دیگرانی می‌کند که از قوت و اعمال اراده و قدرت برخوردارند. امت دولتی که نتواند در سیاست‌های داخلی و خارجی از اراده آزاد و استقلال در عمل و اعمال قدرت در پذیرش یا عدم پذیرش چیزی بهره‌مند باشد، امت و دولت ضعیف و مستضعفی است که باید سرنوشت خویش را به دست قدرت‌های مستکبر بدهد و عزت و کرامت و شرافت خویش را فدا کند و تن به ذلت و حقارت دهد.

### ضرورت شناخت عوامل ضعف و قوت

از نظر آموزه‌های قرآن، امت و دولت اسلامی می‌بایست با تکیه بر «قوت متین» الهی، از اقتدار و قدرتی برخوردار باشد که نه تنها خواسته‌های خویش را تحقق بخشد، بلکه بتواند خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل کند و اجساره دهد تا قوت و قدرت دیگران استقلال دولت و امت را سلب کند.

خدا به‌صراحت خاستگاه قوت را خودش دانسته و می‌فرماید: **إِنَّ الْقُوَّةَ لِلْحَمِیْقِ** (قره، آیه ۱۶۵) و نیز می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّینِ**؛ خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است. (ذاریات، آیه ۵۸) چنانکه خاستگاه عزت نیز خداست: **إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِیْعًا**. (نساء، آیه ۱۳۹؛ یونس، آیه ۶۵؛ فاطر، آیه ۱۰) بنابراین، هر کسی که بخواهد از قوت و عزت برخوردار باشد باید به این خاستگاه متصل شود؛ از همین رو خدا عزت را برای رسول‌الله(ص) و مومنان می‌داند که به‌عنوان مطیع الهی از آن بهره‌مند می‌شوند: **وَاللَّعِزَّةَ وَرِئْسَیْهِ وَلِلمُؤْمِنِینَ**؛ و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مومنان است. (منافقون، آیه ۸) البته انسان‌ها به‌طور طبیعی «ضعیف» آفریده شده‌اند و از قوت و توان برخوردار نیستند.روم، آیه ۵۴؛ بنابراین، لازم است با بهره‌گیری از عوامل ایجادی قوت به آن دست یافته و از قوت برای اعمال قدرت بهره‌مند شوند.

شناسایی و کسب عوامل قوت و رهایی از ضعف و نیز مانع‌زدایی از قوت، امری لازم است. از نظر قرآن در عرصه سیاسی، قوت نظامی به‌عنوان عامل قدرت و قوت می‌بایست در دستور کار قرار گیرد؛ چنانکه خدا می‌فرماید: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را غیر از آنان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنها را می‌شناسد برترساند و هر چیزی در راه خدا خرج کنید یاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (انفال، آیه ۶۰)

همچنین قوت اقتصادی از مهم‌ترین عوامل اقتدار امت و دولت اسلامی است؛ چرا که «قیام» اجتماع بر

## معارف

Maaref@Kayhan.ir

مکتب انبیا است. (آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷)

۶- **ناامیدی**: امید به معنای آرزوی دست‌یافتنی که ابزار آن در اختیار است، مهم‌ترین عامل قوت و قدرت و پیروزی در هر کاری است؛ در برابر آن، ناامیدی مانع جدی در سر راه قوت و قدرت و نصرت است که باید از آن اجتناب کرد. (نساء، آیه ۴۰۴) البته از نظر قرآن، میان امید و آمال یعنی آرزوهای دست‌نیافتنی باید فرق گذاشت.

۷- **غفلت از ضعف**: همان‌طوری که امید، موتوری برای تحقق قدرت و ناامیدی عامل ضعف است، باید توجه داشت که انسان نمی‌بایست از ضعف خود غافل شود ، بلکه باید آن را بشناسد و برای رهایی از آن تلاش کند. بسیاری از کسانی که از ضعف خویش غافل شدند گرفتار غرور و تکبر بیجا شدند و غفلت از آن ضعف موجب شده است تا دشمن بر ایشان مسلط شود و نتوانند موفقیتی را برای خود رقم زنند. بنابراین، امت و دولت اسلامی می‌بایست نقاط ضعف خویش را بشناسند و برای درمان آن تلاش کنند و از نقاط ضعف غافل نشده و گرفتار غرور بیجا نشوند.(سراء، آیه ۳۷)
**عوامل قوت و توان**
اینک که عوامل ضعف و ناتوانی را شناختیم، بهتر است که با عوامل قوت و توانایی آشنا شویم تا با بهره‌گیری از آن توانیم در برابر مستکبران و ظالمان.

## از مهم‌ترین عوامل ضعف، دنیاطلبی است؛ زیرا گرایش به دنیا و هواهای نفسانی موجب می‌شود که انسان نتواند از قوت و اقتدار مناسبی برخوردار باشد و در برابر خواسته‌های نفسانی وا می‌دهد و استقامت نمی‌ورزد.



دولت از دست برود و دشمنان را گستاخ و روحیه آنان را تقویت کرده و مستکبران را برای شکست مومنان و دولت و امت اسلامی تهییج کند. از نظر قرآن، مومنان با همه ضعف و ناتوانی می‌بایست دست از بیکار و حتی تعقیب دشمنان بر ندارند تا این‌گونه نه تنها ضعف خویش را نهان سازند بلکه دشمن را به ازهاب برترسانند و از فکر حمله مجدد بازدارند.(نساء، آیه ۱۰۴) از نظر قرآن، نمایش ضعف و سستی در تعقیب دشمن، هر چند ملازم با رنج و مشقت، مورد نپهی خداوند است و امت و دولت اسلامی در اوج ضعف حقیقی می‌بایست قسوت خویش را با قوت الهی پیوند داده و با امید به نصرت الهی از تعقیب دشمن هر چند با همه مشکلات جسمی و اقتصادی و نظامی و ماندن آنها دست بر نازند. (همان؛ حج، آیه ۴۰)

۵. **توجه به قوت الهی و دعا**: امت و دولت اسلامی در اوج ضعف و ناتوانی می‌بایست به منبع و خاستگاه قوت و قدرت توجه یافته و با تضرع و دعا و بی‌پشانه خدا، قوت و قدرت خویش را بازسازی و بازآفرینی کنند و امید به نصرت الهی پیدا کنند تا این‌گونه در برابر دشمنان و مستکبران پیروز شوند. (بقره، آیات ۲۴۹ و ۲۵۲؛ مریم، آیه ۴؛ انعام، آیات ۴۲ و ۶۳)

۶. **تحلیل رخدادها و توجه به سنت‌های الهی**: توجه به سنت‌های الهی حاکم بر جان و جامعه و جهان می‌تواند موجب قوت و قدرت امت و دولت اسلامی شود؛ زیرا این سنت‌ها ممکن است بیرون از محاسبات عادی باشد، هر چند که بسیاری از آن سنت‌ها و قوانین را انسان می‌شناسد و می‌تواند در محاسبات به کار گیرد، اما برخی از آنها بیرون از محاسبات قرار می‌گیرند که همان می‌تواند تأثیرگذار باشد. از جمله سنت نصرت الهی در برابر نصرت امت(حج، آیه ۴۰) با سستند دفع برخی با برخی(همان). بنابراین، توجه به سنت‌های الهی در تحلیل رخدادهای می‌تواند به امت کمک کند تا به قوت دست یابد؛ چرا که اطلاعات و علم و آگاهی، عین قوت است و کسی که به خدا اعتقاد دارد و سنت‌های الهی را می‌شناسد و با آن به تحلیل گذشته و حال جوامع می‌پردازد می‌تواند تحلیل درستی از اوضاع خویش و دیگران به دست آورد، از همین رو مقایسه میان رخدادهای تاریخی مهم، برای شناسایی نقاط ضعف و قوت جامعه، از روش‌های قرآن برای رهایی از ضعف و کسب قوت واقعی اطلاعاتی و علمی است. (آل عمران، آیات ۱۲۲ و ۱۲۳) در این آیات «ذله» از مشتقات «ذل» به معنای ضعف است و در اینجا ضعف مسلمان‌ها از جهت تجهیزات نظامی به نسبت امکانات دشمن در جنگ بدر است.(التحقیق، ج ۳، ص ۳۰۶ «ذل» اما آگاهی از این نقاط و تحلیل درست

امام حسین(ع) در بیان توصیف متغیرهای دنیا می‌فرماید: بندگان

خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده شود و با یک فرد برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقاء سوارزوار بودند و جلب خشوندی آنان بهتر و چنین حکمی خوارشایندتر بود، ولی هرگز!

زیرا خداوند دنیا را برای فانی‌شدن خلق نموده که تازه‌هایش کهنه و نعمت‌هایش زایل خواهد شد، و سرور و شادی‌اش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید، منزلی بسست و خانه‌های موقت است، پس برای آخرت خود توشه‌ای برگزید و بهترین توشه آخرت تقوا است. از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. <sup>(۱)</sup>

می‌تواند این ضعف را به قوت تبدیل کند. اصولا از نظر قرآن، یادآوری پیروزی‌های گذشته و توجه به گردش قانقونند تغییرات اجزومی است. البته ضعف و اندوه جامعه ایمانی می‌شود و امت اسلام می‌بایست به این امور در تحلیل و محاسبات خویش توجه داشته باشد. (آل عمران، آیات ۱۳۹ و ۱۴۰)
**۷. صبر و استقامت**: از عوامل قوت یابی و قدرت در برابر دشمنان است.توان به صبر در مصیبت‌ها و استقامت در مشکلات اشاره کرد که با تکیه به خدا و نادایی و توانایی او انجام می‌شود و امت اسلام با توجه به این حقایق در برابر مصیبت‌ها و مشکلات صبر و استقامت می‌ورزد و ضعف خویش را برطرف می‌سازد. (آل عمران، آیه ۱۴۶)

۸. **اعتقاد به برتری امت اسلام**: مومنان باید

## همان طوری که امید، موتوری برای تحقق قدرت و ناامیدی عامل ضعف است، باید توجه داشت که انسان نمی‌بایست از ضعف خود غافل شود ، بلکه باید آن را بشناسد و برای رهایی از آن تلاش کند. بسیاری از کسانی که از ضعف خویش غافل شدند گرفتار غرور و تکبر بی‌جا شدند و غفلت از آن ضعف موجب شده است تا دشمن بر آنان مسلط شود و نتوانند موفقیتی را برای خود رقم زنند.

بدانند که علو و برتری همواره برای خدا و مومنان است. همین باور موجب می‌شود تا قوت و اقتدار برای امت تحقق یابد و روحیه مضاعفی در برابر دشمن استکباری به دست آورد.(آل عمران، آیات ۱۳۹ و ۱۴۰)
از نظر قرآن، هیچ‌گونه ضعف و سستی از پیامبران الهی، در مقابل مشکلات و مصیبت‌های رسیده بر آنان، در جنگ با دشمنان خدا ظهور نمی‌یابد (آل عمران، آیه ۱۴۶) و امت تابع ایشان نیز باید این‌گونه باشند؛ چرا که مردان الهی در برابر دشمن هرگز ضعف و سستی نشان نمی‌دهند؛ صبر و صیبت‌ها و مشکلات، آنان را از مسیر حق و استقامت و باقی بودن در علو و برتری باز نمی‌دارد.(همان)

۹. **روحیه شهادت‌طلبی**: مرگ حق است و اگر کسی برسد در خانه یا جبهه باشد مرگ او می‌رسد و اگر اجل نرسد در خانه و جبهه از او دور خواهد بود. مومنان می‌بایست روحیه شهادت‌طلبی داشته باشند و هرگز از ترس مرگ از کارزار دست بر ندارند؛ زیرا بهترین محافظ هر انسانی اجل اوست و اگر افرارسیده باشد بهتر است که به شهادت باشد تا مرگ در رختخواب. جالب اینکه برخی از مومنان تا قبل از جهاد و بحران ادعاهایی را مطرح می‌کنند که وقتی نوبت به عمل می‌شود، جا می‌زنند و این روحیه شهادت‌طلبی را کنار گذاشته و موجب ضعف امت و دولت اسلامی می‌شود(آل عمران، آیه ۱۴۳)؛ زیرا، جمله «فقد رأیتموه و أنتم تطرون» یعنی شما که پیش از جنگ آرزوی مرگ داشتید، پس چرا در حال جنگ که مرگ را دیدید اقدام نکردید و فشل شدید و از جنگ اعراض کردید؟ این جمله عتاب و توبیخ نهفته است. (المیزان، ج ۴، ص ۴۱؛ الکشاف، ج ۱، ص ۴۲)
**۱۰. امید**: چنانکه گفته شد امید نه تنها مانع ضعف بلکه عامل قوت و قدرت و رهایی از ضعف است.(نساء، آیات ۴۵ و ۱۰۴)

۱۱. **امدادهای غیبی**: اعتقاد به امدادهای غیبی و محاسبه آن در امور، یکی از مهم‌ترین عوامل قوت‌بخش و ضعف‌زدانست که باید امت و دولت اسلامی به آن توجه و اهتمام ورزند تا این‌گونه قوت واقعی خویش را بشناسند و از آن بهره‌گیرند.(انفال، آیه ۴۳)

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۸

۴ صفر ۱۴۴۱ – شماره ۲۲۲۹۸



قال الامام الحسین(ع): «ایها الناس! ان رسول‌الله(ص) قال: من رای سلطانا جائرا، مستحلا لحم الله، تاكثا لعهدالله، مخالفاً لسنة رسول‌الله(ص)، یعمل فی عبادالله بالاتم والعُدوان- فلیسم بغيرِ علیه بقلع و لاقول، کان حقاً علی‌الله ان یدخله مدخله»

امام حسین(ع) فرمود: ای مردم! پیامبر خدا فرموده است: کسی که زمامداری سستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می‌سازد، و عهدش را می‌شکند، و با سنت پیامبر(ص) مخالفت می‌ورزد، و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز عمل می‌کند، ولی در مقابل او با عمل یا گفتار، اظهار مخالفت نمی‌نماید، بر خداوند است که او را به‌همان ظالم در جهنم اندازد. <sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۰۹

## حکایت خوبان

## فرجام دنیا ولزوم کسب توشه آخرت

امام حسین(ع) در بیان توصیف متغیرهای دنیا می‌فرماید: بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده شود و با یک فرد برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقاء سوارزوار بودند و جلب خشوندی آنان بهتر و چنین حکمی خوارشایندتر بود، ولی هرگز!

زیرا خداوند دنیا را برای فانی‌شدن خلق نموده که تازه‌هایش کهنه و نعمت‌هایش زایل خواهد شد، و سرور و شادی‌اش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید، منزلی بسست و خانه‌های موقت است، پس برای آخرت خود توشه‌ای برگزید و بهترین توشه آخرت تقوا است. از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. <sup>(۱)</sup>

۱- مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳



مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

## پرشن و پاسخ

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳

مقل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳